

پایانی بر جنایات

جمهوری اسلامی ایران علیه مهاجرین افغان نیست:

باز هم جنایت، باز هم دروغ و باز هم انکار.

” نمی توانم نفس بکشم” اینبار این آخرین فریاد های جورج فلوید، اریک گارنر و یا یک سیاه پوست دیگر که توسط پلیس نژاد پرست آمریکا خفه می شود، نیست، این آخرین فریادهای جوانان مهاجر و زحمتکش افغانستانی است که در یک خودرو زنده زنده سوزانده شدند! اینجا ایران است جایی که انسانها را زنده زنده می سوزانند تا دیگر نتوانند نفس بکشند، جایی که پناهجویان را به رودخانه پرتاب می کنند تا دیگر نتوانند نفس بکشند. جایی که هولناک ترین جنایات توسط رژیم دینی و مرتجع علیه مردم و مهاجرین انجام میگیرد. آنگاه مقاماتش بسادگی دروغ می گویند، بسادگی انکار می کنند و داستان های جعلی می ساز

هنوز شوک ناشی از به رودخانه انداختن بیش از ۵۰ نفر از مهاجرین افغان توسط مرزبانان جمهوری اسلامی از اذهان مردم پاک نشده بود که جنایت دیگری از جمهوری اسلامی شوک دیگری را به مردم افغانستان و ایران وارد کرد. خودرویی که در یکی از جاده های اطراف یزد حامل کارگران مهاجر افغان بود، هدف رگبار سلاحهای مامورین جمهوری اسلامی قرار گرفت و منفجر شد. سه افغانستانی در انتظار بهت زده مردم – بدون هیچ تلاشی برای کمک به نجات آنان – سوختند و به زغال تبدیل شدند و ۴ نفر دیگر شدیداً زخمی شدند. سه نفری که سوخته شدند در صندوق عقب خودرو بودند. راننده خودرو از ترس گیر افتادن بدست پلیس به همراه سه تن از مهاجرین فرار کردند و به گفته خبرگزاری های ایران ۸ نفر هم زخمی و به بیمارستان انتقال داده شدند که جراحات ۴ نفر آنها سطحی بوده و بسرعت به اردوگاه های مرگبار جمهوری اسلامی انتقال داده شدند. اما ۴ نفر دیگر در بیمارستان بستری شدند.

معاون استاندار یزد در ابتدا طبق معمول سران رژیم انکار کرد که علت سوختن خودرو، تیر اندازی پلیس بوده است. او علت آتش سوزی را “سرعت بالا و برخورد شدید با گارد و جرعه های ناشی از حرکت خود رو بر روی رینگ” خواند. اما بازماندگان این حادثه گفتند که خودرو بر اثر تیراندازی ماموران ایرانی آتش گرفت. همچنین در ویدئوهایی که در شبکه های اجتماعی پخش شد، یک نفر با لهجه محلی می گوید که “گشت پشت شان بود، زدش و رفت”. بیان واضحی از این که نه تنها شلیک “گشت” باعث آتش سوزی شد بلکه حتی هنگامی که خودرو آتش گرفت و سرنشینان در حال سوختن بودند، نیروی گشت فرار را برقرار ترجیح دادند و هیچ گونه تلاشی برای کمک به سرنشینان نکردند. جنایتی در بطن جنایتی دیگر را مرتکب شدند. اما جمهوری اسلامی برای عدم پاسخگویی تلاش کرد صورت مسئله را بکلی حذف کند. همچنین تلاش کرد که این خود رو را به قاچاق مواد مخدر و غیره ربط دهد. که در هر صورت هیچ چیز این جنایت علیه مهاجرین تحت ستم افغانی را توجیه نمی کند. جنایتی که باید عاملین و آمرین آن مجازات شوند. اما باز هم جمهوری اسلامی چاره ای نداشت جز اینکه مجبور شود و اعتراف کند که آتش سوزی در اثر تیراندازی مامورینش بوده است، اما اظهار نظری در مورد این که چرا این مامورین گشت هیچ تلاشی برای کمک به انسانهایی که در حال سوختن بودند نکرد، نمی کند.

نو جوان مهاجر که به بیمارستان منتقل شده و دستش با دست بند به تخت بسته شده است.

مردم یک بار دیگر هنگامی به خشم آمدند که در گزارش بازدید سفیر افغانستان از مجروحین این جنایت در بیمارستان مشاهده کردند که یک نوجوان افغان که از سرنشینان خودرو بوده دستش با دستبند به تخت بیمارستان بسته شده است. این صحنه قلب بسیاری از مردم را چه در افغانستان و چه در ایران به درد آورد، و این سوال را با خود به همراه داشت که آیا پایانی بر وقاحت و گستاخی جنایت کاران جمهوری اسلامی وجود دارد؟ مجرمین واقعی آن کسانی هستند که این خودرو را به آتش کشیده و جان سرنشینان بی گناه و ستم دیده را گرفته و بقیه را به بیمارستان کشانده اند و نه آنانی که قربانی اند و برای کار و زحمت و درآمد ناچیزی برای سیر کردن خود و خانواده مجبورند این چنین جان خود را در مقابل این جانیان خطرناک به خطر بیفکنند. این واقعه به روشنی نشان می دهد که چگونه جای ظالم و مظلوم عوض شده است.

انداختن مهاجرین افغانستانی به رودخانه هریرود توسط مرزبانان جمهوری اسلامی

عمق جنایت جمهوری اسلامی هنگامی عیانتر می شود که این واقعه در کنار واقعه چند هفته پیش که در آن بیش از ۵۰ نفر از مهاجرین افغان توسط مرزبانان جمهوری اسلامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، یک شبانه روز از آنان

بیگاری کشیدند و سپس آنها را به رودخانه ای که بر اثر بارندگی جریان آب آن بالا آمده بود می اندازند که تنها ۲۰ نفر که می توانستند شنا کنند، نجات یافتند.

حوادث این گونه ای در ماههای اخیر شدت یافته است و نشان از کارزار شرورانه دیگری از جانب جمهوری اسلامی علیه مهاجرین افغانستانی دارد. بطور مثال واژگونی خودروی ای که باعث مرگ ۵ مهاجر افغانستانی در محور یزد نائین شد و نمونه های آن نیز بسیار است. در ارتباط با همین کارزار جمهوری اسلامی نه تنها جنگی را علیه مهاجرین به اصطلاح “غیر مجاز”، رسماً به پیش می برد تلاش دارد تا اقامت نزدیک به نیم میلیون نفر از مهاجرینی که دارای کارت اقامت هستند را تمدید نکند. وشکی نیست که این جنایتی بسیار بزرگ است که به همراه آن جنایت های دیگری را به دنبال خواهد داشت. هم اکنون جمهوری اسلامی هر روزه صدها افغانستانی را اخراج می کند

این در شرایطی است که وجود کارگران مهاجر افغانستانی در ایران بخش بسیار مهمی از ساختار انباشت سرمایه بوزوا بوروکرات های حاکم بر ایران است و از منابع سود اقشار فوقانی جامعه است. ستم و سرکوب و فوق استثمار شیوه کشیدن شیره جان و زحمت و از بین بردن جوانی این انسانهاست. کارگران و مهاجرین افغانستانی در ایران از بی حقوق ترین و ستم دیده ترین قشرهای جامعه ایران کنونی می باشند. اکثریت آنان از هیچ امکانات بیمه درمانی، بازنشستگی و بیکاری برخوردار نبوده و پیوسته توسط کارفرما و مامورین مورد اخاذی قرار می گیرند.

فرهنگ و اخلاق غالب بر جامعه یعنی شونیسیم فارس و مذهب شیعه که از طرف قدرت سیاسی و طبقه حاکم تبلیغ می شود بر روابط تولیدی زیربنایی استوار است که در آن برتری ملیت فارس، ستم و بی حقوقی ملیتهای دیگر مانند توده های بلوچ، ترک، ترکمن، عرب و مهاجرین افغان را در بر دارد.

متأسفانه بخش های نه چندان کوچکی از قشرهای جامعه ایران سالهای طولانی است که اسیر این تبلیغات ارتجاعی گشته و آب به آسیاب جمهوری اسلامی می ریزند. فریب تبلیغات رژیم را خوردن نه تنها در مقابل منافع مردم است، بلکه سکوت به هیچ وجه جایز نیست و باید علیه این شونیسیم مرتجعانه به مبارزه برخاست. مبارزه با چنین فرهنگی و افشای آگاهانه آن، به بخش مهمی از تدارک فکری و عملی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. در کنار آن بخشی از مردم آگاه به درستی هم سرنوشتی مردم تحت ستم ایران و مهاجرین تحت ستم افغانی را درک می کنند، و در مقابل اعمال و جنایات شونیستی جمهوری اسلامی می ایستند.

جنایات رژیم جمهوری اسلامی شرم آور است و چنین رژیمی فقط سزاوار سرنگونی است و تا زمانیکه در قدرت است هر چه بیشتر خشن تر و سرکوبهای وحشیانه تر و خونین تر از پیش مرتکب خواهد شد. تشکیل هیئت های فاسد و ارتجاعی بررسی این جنایات بین دولتهای ارتجاعی مذهبی ایران و افغانستان نه تنها هیچ دردی را درمان نخواهد کرد بلکه باعث همکاری بیشتر در کنترل بیشتر مرزها خواهد گشت. معنی آن هم چیز دیگری جز جنایات بیشتر مرزبانان و قتل عام بیشتر کارگران مهاجر افغانستانی نخواهد بود. جنایتهای خونین اشغال امپریالیستهای مختلف و دخالتهای مرتجعین منطقه و حکومتهای ارتجاعی نماینده این اشغالگری افغانستان و کشمکش خونین و جنگ های قدرت و ارتجاع مذهبی، عامل اصلی مهاجرت مردم افغانستان بوده و آنها را مجبور ساخته به جهنم رژیم هایی همچون جمهوری اسلامی جهت کسب تکه ای نان با جان خریدن خطر مرگ ” پناه ” بیاورند.

جنایات جمهوری اسلامی تنها می تواند خشم ما یعنی کلیه آنانی که از این رژیم رنج می برند (بویژه افغانستانی های مقیم ایران بخش بسیار مهمی از آن را تشکیل می دهند) را برای سرنگونی این رژیم خونخوار انسان غرق کن، انسان سوزان و جانی، صد چندان کند.

مبارزه برای جهانی بدون مرز (افغانستان – ایران)

۱۸ جوزا – خرداد ۱۳۹۸